

An analysis of the example of Surah Al-Qadr in the narrations of the interpretation of Qur'an in the Shia and Sunni

Abstract

In Surah Al-Qadr, several topics such as: revelation of the Qur'an, virtue of Laylat al-Qadr, determination of destinies, revelation of angels with the soul and the companionship of Laylat al-Qadr until dawn with health are discussed. It refers to the fact that in the descent of angels and souls to the world, there are also servants of divine creatures and are located in the center of the descent of angels and the mission of divine angels in Laylat al-Qadr and their presence and personality are significantly related. Who are these servants who are the subject and axis of the descent of the angels and what are the secrets that are shared with them on the Night of Power, are among the issues about which there is not much information in the apparent interpretation of the verses, but some from the narrations that refer to the verses of Surah Al-Qadr, reveals truths in recognizing the infallible divine pilgrims and their officials? In the present study, in order to explain and clarify the examples of these noble verses and their interpretation, some interpretive narrations of the two parties have been studied under this blessed surah. And with the correct interpretation of the hadith of Saqaleen and the necessity of accompanying the Night of Power and the Executor, and that only the Imam is a perfect human being and the container of the enlightened words of the Qur'an, the necessity of divine authority and the mediator of grace during the descent of angels and destiny was proved.

Keywords: Surah Al-Qadr, Tafsir narrations, examples, interpretation, Qadr

واکاوی مصداق سوره قدر در روایات تفسیری فریقین

محسن قمر زاده^۱

منصوره شفیعی^۲

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳۰

چکیده

در سوره قدر موضوعات متعددی از جمله: نزول قرآن، فضیلت شب قدر، تعیین مقدرات، نزول ملائکه به همراه روح و قرین بودن شب قدر تا طلوع فجر با سلامتی مورد بحث قرار گرفته است علاوه بر سوره یاد شده، آیه دوم سوره نحل نیز اشاره به این مطلب دارد که در نزول ملائکه و روح به عالم دنیا، بندگانی از مخلوقات الهی نیز وجود دارند و در محور و مرکز نزول ملائکه قرار می‌گیرند و ماموریت فرشتگان الهی در لیلۃ‌القدر و حضور و شخصیت آنان ارتباط معنا داری پیدا می‌کنند. اینکه این بندگان که موضوع و محور نزول ملائکه قرار می‌گیرند چه کسانی هستند و رازهایی که در شب قدر با آنها در میان گذاشته می‌شود چه می‌باشد، از جمله مسائلی است که در تفسیر ظاهری آیات، اطلاعات چندانی از آنها وجود ندارد، بلکه برخی از روایات که ناظر به آیات سوره قدر وارد شده، پرده از حقایقی در شناخت حجج معصوم الهی و مقامات آنان برمی‌دارد. در پژوهش پیش رو برای تبیین و روشن شدن مصادیق این آیات شریفه و تأویل آنها به بررسی برخی روایات تفسیری

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران (ghamarzadehm@gmail.com)

۲. طلبه سطح چهارم مجتمع عالی کوثر- رشته تفسیر (Shafie130@gmail.com)

فریقین در ذیل این سوره مبارکه پرداخته شده است . و با تفسیر درست حدیث ثقلین و لزوم همراهی شب قدر (ظرف زمانی) و اجرا کننده (امام زمان)، و این که تنها امام، انسان کامل و ظرف کلمات نورانی قرآن است، ضرورت وجود حجت الهی و واسطه فیض در جریان نزول فرشتگان و تقدیر امور اثبات گردید .

کلید واژه: سوره قدر ، روایات تفسیری، مصداق ، تأویل ، قدر

مقدمه

جریان داشتن مفاهیم و معارف قرآنی در همه زمانها و انطباق آنها بر مصادیق جدید یکی از راههای تازگی و جاودانگی قرآن میباشد معصومین (ع) با بیان برخی از مصادیق مدالیل قرآنی و درک مفاهیم آن، به خاتمیت قرآن و جاودانگی آن برای همگان در همه زمانها و مکانها شکلی عملی بخشیدند و راه روشنی را پیش پای ما گذاشته اند با توجه به اینکه قرآن کلام خداست و نشانگر علم و حکمت الهی، و علم و دانش خدا نیز نامحدود میباشد، پس مفاهیم و معانی کلام او نیز نامحدود و پایان ناپذیر هستند بخش مهم و اصلی پایان ناپذیری معانی قرآن در ویژگیهای خود متن نهفته است و همین مسأله زمینه را برای حیات ابدی و تازگی قرآن در همه دوره ها فراهم آورده است لذا در هر دوره ای میتوان مفاهیم و مدالیل قرآن را استخراج و بر مصادیق جدید تطبیق داد در روایات و دیدگاههای مفسران فریقین، ویژگیهای گوناگونی برای لیلۃ القدر برشمرده شده است. تأمل در این ویژگیها نشان می دهد، شب قدر دارای مکانت والا و منحصر به فردی است که اگر از آن بهره صحیح و مناسبی برده شود، سبب برخورداری بیشتر از فیض آن خواهد شد. نزول قرآن و چگونگی و مراحل آن، از مباحث مشهوری است که در کتب تاریخ و علوم قرآنی از سوی علمای شیعه و اهل سنت مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر دیدگاههای دانشمندان که ریشه در روایات معصومان (ع) و گزارش های تاریخی برخی از صحابه و تابعان دارد، موضوع نزول قرآن ریشه های مهمی در آیات قرآن دارد که محور بحث مفسران نیز قرار گرفته است و قدر مسلم آنکه قرآن کریم نزولی در ماه رمضان داشته و بر طبق سوره های قدر و دخان این نزول در شبی از شبهای ماه رمضان بوده است. نکته قابل ذکر در خصوص جایگاه لیلۃ القدر، نزول قرآن، فرود

آمدن ملائکه، ابلاغ مقدرات، برکت و سلامت این شب که آن را بر هزارماه فضیلت بخشیده و مباحث دیگر است..

مفهوم شناسی

قدر

قدر در لغت به معنای اندازه و «تقدیر» به معنای اندازه گیری و تعیین است. (قرشی بنابی، جلد ۵- ص ۲۴۶--۲۴۷) اما معنای اصطلاحی «قدر»، عبارت است از ویژگی هستی و وجود هر چیز و چگونگی آفرینش آن (طباطبایی، ج ۱۲ ص ۱۵۰ و ۱۵۱). به عبارت دیگر، اندازه و محدوده وجودی هر چیز، «قدر» نام دارد. (همان، ج ۱۹، ص ۱۰۱). (اگر تقدیر به خدا نسبت داده شود به دو گونه می باشد: یکی اعطای قدرت بر اشیا و دیگری آنکه اشیا را بر مقدار مخصوص و وجه مخصوص قرار بدهد به اقتضای حکمت ... مثل تقدیر هسته خرما که از آن خرما برآید نه سیب و زیتون. پس تقدیر خدا بر دو وجه است یکی حکم به اینکه فلان طور باشد یا نباشد... و دوم اعطای قدرت بر اشیا (همان) با توجه به این معنا، وجه نام گذاری یکی از شب های مبارک ماه رمضان به شب قدر روشن می گردد. (علامه طباطبائی در این باره می فرماید: ظاهراً مراد از قدر، تقدیر «اندازه گیری» است. پس، شب قدر شب اندازه گیری است. خدای تعالی در آن شب حوادث یک سال را یعنی از آن شب تا شب قدر سال آینده را تقدیر می کند؛ زندگی مرگ، رزق، سعادت، شقاوت و چیزهایی دیگر از این قبیل را مقدر می سازد» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۳۳۰/۲۰)

روایات تفسیری

تفسیر در عرف دانشمندان، کشف معانی قرآن و بیان مراد آن است، خواه به جهت مشکل بودن لفظ باشد و خواه به جهتی دیگر، و خواه بر حسب معنای ظاهر باشد و خواه غیر آن. (راغب اصفهانی، ۵۰۲-۵۰۶)

"تفسیر" در اصطلاح، به معنای، روشن کردن و کشف نمودن مراد و مقصود از لفظ مشکل است (ابن منظور- ج ۵، ص ۵۵). به عبارت دیگر تفسیر، بر طرف کردن ابهام از لفظی است که فهم معنای مقصود آن مشکل است (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳). روایت تفسیری، روایتی است که بخشی از آیه در آن مذکور باشد و یا روایت، ناظر به آیه ای باشد که خود آیه، در روایت مذکور نیست؛ اما روایت، به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است. (مه‌ریزی، مهدی، ۱۳۸۹، ص ۶)

روایات تفسیری، روایاتی هستند که در این راستا بوده، به توضیح معنای الفاظ آیه و بیان منظور و مراد آن، صرف نظر از موضوع آیه می پردازد. با توجه به اینکه در تفاسیر روایی، روایات تفسیر، بطن، تطبیق و ... آمیخته با هم و بدون تفکیک نوع در ذیل آیات آورده شده، بسیاری از مخالفان پنداشته اند که شیعه این گونه روایات را تفسیر آیه می داند، و بر این اساس بر عقاید و تفسیر شیعیان خرده می گیرند (رستمی، ۱۳۸۰، ص ۸۲). به عنوان مثال، گلدزیهر با اشاره به روایاتی که مصادیق بعضی از آیات قرآن را اهل بیت (ع) و یا دشمنان آن بزرگواران دانسته است، می-گوید: «شیعه، قرآن را تا حدّ زیادی به عنوان یک کتاب حزبی با گرایش شیعی می-شناسد» (گلدزیهر، ۱۳۸۳ش، ص ۲۶۸). مفسران شیعی روایات را به دو گروه کلی تفسیری و غیر تفسیری تقسیم نموده، تا معلوم شود آن دسته از روایات که

مستمسک خرده جویان قرار گرفته، جنبه ی تفسیری ندارد، بلکه یا در مقام بیان معانی باطنی آیات است که این معانی منافاتی با تفسیر ظاهر آیات ندارد و یا بیانگر مصادیقی از آیات است که این گونه نیز به معنای انحصار مفهوم آیه یا عبارت قرآنی در آن مصادیق نیست، مگر در مصادیق انحصاری که جزء تفسیر قرآن بوده و تردید در آن راه ندارد. روایات تفسیری مستقیم روایاتی هستند که در آن ها به صورت مشخص مطالبی بیان شده که مستقیماً به تفسیر آیه پرداخته شده است و در قالب معنای اصطلاحی تفسیر که پرده برداری از آیات قرآن است می‌گنجد. این گروه خود شامل سه قسم است: ایضاح لفظی، ایضاح مفهومی و تأویل مفهومی. و روایات تفسیری غیر مستقیم روایاتی هستند که مستقیماً به تفسیر پرداخته نشده؛ لکن مطالبی در آن بیان شده که می‌توان از آن‌ها نتایج تفسیری گرفت و در تفسیر مورد بهره‌برداری قرار داد. در این نوع روایات مفسر در فرایند بهره‌گیری تفسیری از روایات قرار دارد. مثلاً از شان نزول استفاده می‌کند و تفسیر آیه را با حذف احتمالات تفسیری انجام می‌دهد یا از روایات تطبیقی استفاده می‌کند و بر اساس این مصادیق مراد آیه را بهتر بیان می‌کند. این دسته شامل: ترسیم فضای نزول، تطبیق، تأویل مصداقی، علت، استناد به قرآن، پاسخ با قرآن، قرائات مختلف، استشهاد و قرآن‌شناسی می‌باشد. روایات غیر تفسیری روایاتی است که با موضوع آیه مرتبط است لکن ارتباط تفسیری با آیه ندارد. عمده این روایات نقش تکمیلی و تبیینی را به خود می‌گیرند. لکن در فرایند پرده برداری از مراد خدا در قرآن دخالتی ندارند. (قمر زاده

تأویل مصداقی

بیان مفهوم یا مصداقی فراتر از مفهوم ظاهری آیه که بدون داشتن علم الهی و از طرق عادی تفسیر و از ظاهر آیه نمی‌توان به آن دست یافت. تأویل دارای دو ساحت مفهومی و مصداقی است و ساحت مفهومی آن مستقیم به حوزه تفسیر می‌پردازد و ساحت مصداقی به صورت غیر مستقیم .

۱. نگاهی گذرا به تفسیر سوره قدر

در حدیثی که امام صادق(ع) معراج پیامبر اکرم(ص) را گزارش می‌کند، خلاصه‌اش چنین است که آن حضرت در معراج ملکوتی خود، آسمان‌ها را یکی پس از دیگری طی کرد تا به آسمان چهارم رسید، در آن جا ملائکه اجتماع کردند و جبرائیل(ع) ندای نماز داد و آن حضرت وضو و نماز را گام به گام به امر خدا انجام داد تا این که در رکعت اول پس از آن که حمد را خواند، خداوند فرمود: ای محمد بخوان نسبت پروردگارت قل هو الله احد را (تا آخر سوره)؛ «أَقْرَأُ يَا مُحَمَّدُ نِسْبَةَ رَبِّكَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...» و در رکعت دوم پس از آن که حضرت حمد را به امر خدا خواند، وحی خداوندی رسید که اکنون سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را بخوان که نسبت تو و اهل بیت تو است تا روز قیامت؛ «أَقْرَأُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فَإِنَّهَا نِسْبَتُكَ وَ نِسْبَةُ أَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (الکافی ج ۳، ص ۴۸۶).

مضامین سوره مبارکه قدر آن چنان با حجیت و ولایت اهل بیت(ع) گره خورده که خداوند متعال آن را نسبت و شناسنامه پیامبر و اهل بیتش نامیده، همچنان که سوره توحید را شناسنامه و نسبت پروردگار عالمیان خوانده است.

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» قدر در لغت به معنی اندازه و مقدار بوده و قضا نیز به معنی حتمیت و قطعیت است (ابن فارس ۶۳/۵، راغب/ ماده قدر و قضاء) قضا و قدر در افعال انسان با اختیار و آزادی او منافاتی ندارد. زیرا تقدیر الهی درباره انسان همان فاعلیت ویژه اوست و آن اینکه او یک فاعل مختار و مرید بوده و فعل و ترک هر عملی در اختیار اوست. به تعبیر دیگر؛ آفرینش انسان با اختیار و آزادی آمیخته و اندازه گیری شده و قضای الهی جز این نیست که هرگاه انسان از روی اختیار، اسباب فعلی را پدید آورد، تنفیذ الهی از این طریق انجام گیرد. (سبحانی، ۸۸)

قدر به معنای اندازه و کمیت است و در نتیجه لیلۃ القدر به معنای شب تقدیر امور و تعیین سرنوشت است. دلیل عقلی بر وجود شب قدر با طرح مقدمه‌ای کوتاه از سوی علامه تبیین می‌شود؛ ایشان با تأکید بر لزوم تقدیر و اندازه‌گیری امور در شب قدر، ضرورت وجود چنین شبی برای تقدیر امور بندگان را مطرح نموده و از آن استفاده کرده‌اند که شب قدر منحصر در شب نزول قرآن و آن سالی که قرآن در آن شبش نازل شد نیست، بلکه با تکرار سنوات، آن شب هم مکرر می‌شود، پس در هر ماه رمضان از هر سال قمری شب قدری هست، که در آن شب امور سال آینده تا شب قدر سال بعد اندازه‌گیری و مقدر می‌شود. (طباطبائی، ج ۲۰، ص ۵۶۲)

علامه در ادامه به فرض قبول امکان شبی که قرآن در گذشته در آن تماماً نازل شده، این فرض را که در آن شب تمامی حوادث آینده تعیین گردد، منتفی دانسته و اقوال مختلف در انحصار شب قدر را مردود دانسته است. (همان) اهمیت باور به وجود شب قدر تا بدان جاست که امام صادق علیه‌السلام قائلین به این که شب قدر با رحلت پیامبر پایان پذیرفته را مرتد دانسته است. (تفسیر شریف لاهیجی، ج ۴، ص ۸۳۵)

هر چند قرآن کریم یک بار بر وجود مبارک پیامبر اعظم اسلام (ص) نازل گردید، اما گویا هر سال در شب قدر تکرار می‌شود و این تکرار، سبب تجدید حیات قرآن و اثرگذاری مضاعف آن بر عالم خواهد شد. از دیگر سو، قرآن و شب قدر دارای اثرگذاری متقابل بر یکدیگرند و نبود یکی، به مفهوم نبود دیگری است. از فضایل شب قدر علاوه بر نزول قرآن و امضاء مقدرات الهی، نزول ملائکه و روح بر حجت معصوم الهی است که ایشان متولی امور هستند. و این امر تا روز قیامت ادامه دارد و همواره بر اهل زمین حجتی خواهد بود تا در آن شب، امر خود را بر او نازل فرماید و اگر حجت معصوم خداوند در زمین نباشد، شب قدری هم نخواهد بود.

ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت کرده است که: به درستی که در نزد خداوند کتابی موقوفه وجود دارد که هر وقت بخواهد بخشی از آن را ارائه مینماید پس وقتی لیلۃ القدر می‌آید از آن کتاب امور واقعه برای یکسال را نازل مینماید. (بحرانی، ۱۱۱۹/۳) بنا به آیه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ (الدَّخَانُ / ۴)»، شب قدر شبی است که هر امری از امور بر طبق حکمت الهیه تفصیل و تبیین میشود. تعبیر به یفرق اشاره به این است که همه امور و مسائل سرنوشت ساز، در آن شب مقدر میشود و تعبیر به حکیم بیانگر استحکام این تقدیر الهی و تغییرناپذیری و حکیمانه بودن آن است. این صفت در قرآن معمولاً برای خدا ذکر می‌شود، ولی توصیف امور دیگر به آن از باب تاکید است. (مکارم شیرازی، ۱۶۴/۲) در هر سال، شبی به نام شب قدر وجود دارد که در آن شب به تقدیر خدای دانا و حکیم، تقدیری جدید و تفریقی تازه نسبت به حوادثی که در طول سال اتفاق خواهد افتاد، ثبت میشود. (استرآبادی، ۴۲۲)

معنای تقدیر و تدبیر در آن شب، این است که خدا حوادث و موجودات را مدتی قبلش تدبیر می‌کند؛ و لندازه‌ها را پیش از آفرینش آسمانها و زمین بدون محدود

کردن تقدیر می‌نماید؛ و چیزهای گوناگون را بدون سرآمد و محدودیتی می‌داند. دانشمندان ما گویند: خدای عزوجل در ماه مبارک رمضان و در شب قدر، هر آنچه در آن سال از روزی و مصیبتها، آنچه از خوشبختی و بدبختی، زندگی و مرگ، باران و روزی وجود دارد را تعیین می‌کند تا جایی که قطعی می‌کند فلان شخص در این سال به حج می‌رود، و آن را در لوح محفوظ می‌نگارد. دیگران گفته‌اند: هر چیزی غیر از خوشبختی و بدبختی، زندگی و مرگ را تعیین می‌کند. پس وقتی از آن فراغت یافت، برای فرشته مرگ تعیین می‌کند کسانی را که از این شب قدر تا شب قدر سال بعد می‌میرند (ابن العربی، بی تا، ج ۴، صص ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲)

آن شب، شبی است که در آن هر موضوعی براساس حکمت الهی مشخص می‌شود و در آن، هر اجل، آرزو و روزی ای تا همانندش در سال بعد حکم می‌شود. یعقوب از ابن علیّه از ربیعۀ بن کلثوم روایت کرده است: شنیدم شخصی به حسن بصری گفت: نظرت را درباره شب قدر برای من بیان می‌کنی که آیا در تمام ماههای رمضان وجود دارد؟ حسن گفت: آری، سوگند به خدایی که جز او معبودی وجود ندارد، شب قدر حتماً در هر ماه رمضانی وجود دارد. آن، شبی است که در آن هر موضوعی براساس حکمت الهی مشخص می‌شود و در آن، هر اجل، آرزو، آفرینش و روزی ای تا همانندش در سال بعد حکم می‌شود (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۵، ص ۶۴۵)

۲. مصداق سوره قدر در روایات شیعی

تعیین مقدرات الهی

امام صادق (ع) می‌فرماید: هر آنچه از مقدرات یک‌ساله نوشته‌اند را به امام (ع) تحویل می‌دهند؛ و خداوند این امور را در ابتدا به رسول خدا (ص)، سپس به

امیرمؤمنان (ع) و سپس به ترتیب به هریک از امامان (علیهم السلام) تحویل می‌دهد تا اینکه در نهایت، آن‌ها به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحویل می‌دهند... مِنْ كُلِّ أَمْرِ سَلَامٌ، این سلام، سلامی است که تا طلوع سپیده‌دم با آن بر امام (ع) درود فرستاده می‌شود. (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۵۲/ القمی، ج ۲، ص ۴۳۱)

گروهی از مفسران شیعه بر پایه برخی روایات، از جمله روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در کنار سایر امور هستی که در شب قدر تقدیر، اندازه گیری و امضا می‌گردد، ولایت اهل بیت نیز در این شب مقدر و امضا گردیده است. در این حدیث آمده است که «مفضل بن عمر» نقل می‌کند: «ذکر عند ابی عبدالله انا انزلناه فی ليله القدر. قال: ما أبین فضلها علی السور! قال: قلت: و ای شیء فضلها؟ قال: نزلت ولایه امیرالمؤمنین فیها. قلت: فی ليله القدر التي نرتجیها فی شهر رمضان؟ قال: نعم؛ هی ليله قدرت فیها السموات و الارض و قدرت فیها ولایه امیرالمؤمنین فیها»

«در محضر امام صادق (ع) بودیم و سخن از سوره ی قدر به میان آمد. امام فرمود: فضیلت سوره ی قدر بر سایر سوره‌ها آشکار است. عرض کردم: فضیلت سوره ی قدر چیست؟ امام فرمود: در شب قدر ولایت امیرمؤمنان نازل شده است. پرسیدم: در همان شب قدری که امیدواریم در ماه رمضان باشد؟ امام فرمود: بله. همین شب قدری که در ماه رمضان قرار دارد؛ شبی است که در قرآن آسمان و زمین و ولایت امیرمؤمنان تقدیر و امضا شده است» (فیض کاشانی، چاپ دوم ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۵، ص ۳۵۱)

در روایت دیگری آمده است که، ای علی آیا می‌دانی معنای شب قدر چیست؟ من عرض کردم نه ای رسول خدا. پیامبر فرمود: خداوند متعال در این شب آن چه که تا

روز قیامت اتفاق خواهد افتاد، تقدیر و اندازه گیری می کند. در میان اموری که در این شب مقدر می گردد، ولایت تو و ولایت امامانی از فرزندان تو تا روز قیامت نیز هست.» (طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۰۹).

امر در لیلۃ القدر

در روایات زیادی از پیامبر اکرم (ص)، تعداد ائمه نیز مشخص شده اند و حضرت فرموده امر یک سال در شب قدر تقدیر می شود و صاحبان آن امر من و یازده فرزندم هستیم که از جمله: از امام هادی (ع) نقل شده است که امیرمؤمنان علی (ع) به ابن عباس فرمود: همانا شب قدر در هر سال است و در آن شب، امر یک سال فرو می آید و آن امر بعد از پیامبر اکرم (ص) صاحبانی دارد. ابن عباس گفت: آنها چه کسانی اند؟ علی (ع) فرمود: من و یازده نفر از فرزندانم، امامانی هستیم که و فرشتگان با ما سخن می گویند (الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲ و ۵۳۳).

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که به اصحابش فرمود: به شب قدر ایمان بیاورید. آن شب بعد از من از آن علی بن ابی طالب و یازده فرزندش است.. (همان، ص ۵۳۳) (با بررسی تفاسیر و روایات، احتمالاتی برای «امر» در شب قدر می توان شمرد: از جمله امور، یکی قرآن کریم است که در شب قدر از مرحله احکام در آمده و نازل می شود، (طباطبائی ۲۰۰/۱۸) به عبارت دیگر تاویلات یکساله آن بر حجت الهی ارائه می گردد. پس آیه دلالت دارد بر این که در هر دوره ای تا پایان هستی، باید امامی که تمام امور دین را بداند موجود باشد. (مجلسی، مرآة العقول، ۷۹ و ۷۸/۳) امام سجاد (ع) در دعای ۴۲ / صحیفه سجادیه (ختم قرآن) چنین فرمودند اللهم انک انزلت علی نبیک محمد (ص) مجملاً و... اللهم ته علم عجائبه مکملاً و... «بار الهی تو قرآن را بر

پیغمبرت که درود تو بر او و خاندانش باد . مجمل و سربسته نازل کردی، و دانش عجائبش را به طور کامل به او الهام فرمودی و...

می توان گفت معنای آیه ،باتوجه به روایات ،توسعه داده می شود وروشن می گردد که ظرف نزول قرآن مبارک است .این ظرف گاهی ظرف زمانی است که همان شب قدر است وقرآن صامت در آن نازل شد. وگاهی ظرف مکانی است ووجود پر برکت فاطمه (س) است وقرآن های ناطق -امامان معصوم- از طریق او پا به عرصه وجود گذاشتند .از این رو هرکس فاطمه را به صورت کامل بشناسد ، حقیقت شب قدر را شناخته است چرا که امامت که ادامه نبوت و مفسر قرآن است ، از طریق ایشان استمرار می یابد . پس هر کس فاطمه وفرزندان او را بشناسد ،معانی حقیقی قرآن را شناخته است که همان حقیقت نزول قرآن در شب قدر است.

یکی دیگر از مصادیق امر در شب قدر تعیین مقدرات و سرنوشت انسان است. چنانچه در روایتی از امام صادق (ع) داریم هنگامی که شب قدر میشود فرشتگان و روح القدس ونویسندگان الهی به آسمان دنیا، فرود می آیند پس مینویسند هرآنچه از قضای الهی در این سال رخ خواهدداد (قمی/۳۶۶/۲) به استناد آیات سوره مبارکه دخان و قدر برای خداوند در آن شب امری هست و بایدکسی (امامی) باشد که امر خدا را دریافت نماید.(استرآبادی، ۱۰۱۷) که این شخص صاحب الامر و همان حجت معصوم الهی و متولی امر خداوند در شب قدر خواهد بود. در این رابطه از امام باقر (ع) روایت است که فرمود: ای گروه شیعه! با آیات «حَمِّ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مَبْرُكَةً إِنَّا كُنَّا مِنْدَرِينَ» با مخالفان محاجه و استدلال نمایید. پس به درستی که این آیات مخصوص والیان امر امامت پس از رسول خدا(ص) میباشد.(کلینی /۱/۲۴۹) (ذیل آیه سوره قدر روایتی آمده است که در این شب مقدرات به جانب مردمی می

آید که در نماز و دعا هستند و صاحب این امر (امام) به رسیدگی به امور نازل شده از جانب خدا اموری که طی یک سال از غروب آفتاب تا طلوع آن واقع میشود توسط ملائکه می پردازد. «من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر» (صفر، ۲۲۰) امام جعفر صادق (ع) درباره آیه «به فرمان پروردگارشان برای هر امری نازل میشوند» فرمود: یعنی برای هر امری همراه با سلام به سوی حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) نازل میشوند. (فرات کوفی، ۶۶۵)

حجت الهی و شب قدر

از ظاهر قرآن فهمیده می شود که قضایای شب قدر، تداوم داشته و هر سال تکرار می گردد. این را می شود از مضارع بودن فعل «يُفْرَقُ» در آیه ۴ دخان و تَنْزَلُ در آیه ۴ قدر به خوبی استنباط کرد؛ چه اینکه فعل مضارع دال بر استمرار است و نیز همانطور که از ظاهر آیات برمی آید بعد از پیامبر اکرم ماه مبارک رمضان امتداد یافته شب قدر نیز که قلب این ماه است امتداد می یابد.

و محل نزول امر الهی بر اساس روایات در زمان رسول خدا، خود آن حضرت بوده است. و اکنون از کسانی که معتقد به تداوم خط امامت و وصایت الهی از غدیر به بعد نیستند سوال می شود بعد از رسول خدا (ص) چه کسی این مقام را دارد که محل نزول ملائکه و امر الهی باشد؟ روایت های متعدد داریم که هم رسول خدا تصریح کرد و هم دیگر معصومان بیان فرمودند که بعد از آن حضرت، اولوالامر به ترتیب عهده دار این جایگاه هستند که اگر ما معتقد به تداوم امامت از غدیر تا ظهور نباشیم شب قدر و رویدادهای آن شب مملو از سوالات بی جواب خواهد ماند؟ (تفسیر جامع آیت الله سید ابراهیم بروجردی سوره القدر) لذا شب قدر ارتباطی تنگاتنگ با ولی خدا دارد، حقیقت شب قدر درک ولی خدا و مقام ولایت الهیه است، انسان اگر به آن

محیط امن ولایت الهیه وارد نشود شب قدری ندارد که فرموده اند : ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی.

در شب قدر به میزان اتصال هر شخص با ولیّ کامل که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می باشد تقدیر او رقم می خورد و کیفیت ارتباط انسان با نفس حضرت ولیّ عصر (عج) نقش تعیین کننده ای در سرنوشت سال آینده او دارد و به هر اندازه که این اتصال خالص تر و بی غلّ و غش تر و بی شائبه تر و صاف و پاکیزه تر باشد به همان میزان نسبت توفیق سعادت ایام و روزگار او تغییر خواهد کرد. در شب قدر انسان باید حساب خود را با خدای خود و واسطه فیض در عالم وجود پاک و تصفیه کند و ببیند که واقعا چه جایگاهی در نزد خدای متعال و آن حضرت برای خود مهیا نموده است. قرب به آن بزرگوار بر اساس فهم و معرفت و تقوی است. پس ائمه (علیهم السلام) مصادیق شب قدر می باشند و ظرف همه حقایق قرآن و مصداق حقیقت آن شب هستند. وائمه همانطور که در دیگر صفات پیامبر اکرم (ص) جانشین وی هستند، در این صفت هم جانشین ایشان هستند بنابراین، مؤمن حقیقی کسی است که هم استمرار شب قدر تا قیامت را بپذیرد و هم وجود حجت زمان و ولی امر و امام معصوم را، که دریافت کننده این امر الهی است، که امروزه در وجود مقدس بقیه الله الاعظم، حضرت مهدی تبلور و ظهور یافته است. بی شک شبی که اختصاص به امام زمان (علیه السلام) دارد، شب خاصی است.

در ظاهر آیه شریفه (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ..) سخن از شب قدر است که در ماه مبارک رمضان واقع شده و قرآن در آن نازل شده است اما با توجه به احادیث ظاهر آیه تأویل می شود و روشن می گردد که مقصود باطن و مصداق آیه فاطمه است البته

ظاهر وباطن آیه هردو به قوت خود باقی است و همدیگر را نفی نمی کند بلکه ساحتها و لایه های مختلف قرآن کریم هستند.

در یگانه پیامبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه (س) که محور اهل بیت و مادر یازده امام است، از مصادیق حقیقت شب قدر می باشد که برخی سخنان وی شاهد بر این مدعاست. فاطمه زهرا علیهاالسلام همچون لیلۃالقدر، حضوری مستمر، کارآمد و تأثیرگذار در همه عرصه های هستی دارد و ظرف وجودش ظرف تحقق اراده و مشیت الهی و افاضه فیض ربوبی است. او اگرچه به مثابه «قدر»، قدرش ناشناخته مانده است و باید تأویل حقیقت و کنه وجودش را در قیامت مشاهده کرد، اما به مقدار ممکن و میسور، باید به سراغ این انسان کامل مکمل و هادی و اسوه ابدی رفت و به او قرب وجودی یافت.

امام صادق (ع) در تأویل آیه شریفه (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ..) می فرماید: «الَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۵) «شب، فاطمه (س) و قدر، خداوند متعال است، هر کس فاطمه (س) را آنگونه که شایسته اوست بشناسد، شب قدر را درک کرده است و همانا وی فاطمه نامیده شده است؛ چون مخلوقات از شناخت او عاجز شده اند»

بر اساس روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر فرات کوفی، به این حقیقت والا اشاره ای نغز و ظریف شده است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. اللَّيْلَةُ: فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ: اللَّهُ. فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا، فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا ... و قوله: وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، یعنی: خیر من الف مؤمن و هی ام المؤمنین. تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا وَ الْمَلَائِكَةُ

المؤمنون للذين يملكون علم آل محمد(ص) و الروح القدس هي فاطمه. بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ. یعنی حتی یخرج القائم» (تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۱ - ۵۸۲). بر مبنای تفسیر و تأویل آن حضرت، تفسیر سوره قدر به اجمال چنین است: «اللیلۃ فاطمۃ» است والقدر «اللّه» پس هر کس که فاطمه را به حقیقت بشناسد، حتماً شب قدر را درک کرده است. علت نام گذاری آن حضرت به فاطمه، به خاطر این است که مردم از شناختنش ناتوان هستند. اما معنای «لیلۃ القدر، بهتر از هزار ماه است»؛ یعنی، بهتر از هزار مؤمن است و آن نیز ام المؤمنین حضرت زهرا(س) می باشد. مراد از ملائکه، مؤمنان عالم به علوم آل محمد(ص) و اهل بیت اویند و مراد از روح یا روح القدس همانا فاطمه است. مراد از این که: در آن شب تا طلوع فجر همه امور به سلامت بوده، و نیز دارای رحمت است، طلوع فجر همان ظهور حضرت مهدی آل محمد(ص) است.

حضرت فاطمه (س) در یکی از دعاهايش می فرماید: «الحمد لله للذي لم يجعلني جاحدة لشيء من كتابه ولا متحيرة في شيء من أمره»؛ (، سید بن طاوس حلّی، ص ۱۷۳) حمد مخصوص خدایی است که مرا انکار کننده چیزی از کتابش و سرگردان در چیزی از امورش قرار نداده است. به عبارت دیگر، مرا بر همه اسرار و حقایق قرآن آگاه کرده است. و این، بیانگر آن است که وجود شریف حضرت فاطمه (س) ظرف حقایق قرآن عظیم و «شب قدر» است.

روایات دیگری هم به صراحت این مطلب را بیان می‌کنند؛ از جمله: «عن حُمُرَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع)... قَالَ: ... أَمَا قَوْلُهُ (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ)؛ يَعْنِي فَاطِمَةَ (س)». امام صادق(ع) در این روایت می‌فرماید: شب قدر، حضرت فاطمه (س) است.

اما این که چرا حضرت امام صادق(ع) جده اش حضرت فاطمه زهرا(س) را به «لیله القدر» اختصاص داده و مصداق آن تعیین فرموده است؟ شاید به دو جهت زیر باشد:

الف) حضرت زهرا(س) در قله کمال انسانی و اعلی درجه مقام «انسان کامل» است؛ یعنی هرگونه کمال علمی و عملی که برای اهل بیت(ع) به عنوان اهل بیت عصمت و طهارت ثابت است (مانند همتایی آنان با قرآن کریم و غیر آن) حضرت فاطمه(س) نیز همسان همتای گران قدرش حضرت علی(ع) و دیگر امامان معصوم(ع) بوده و مشمول آن مقام های منیع خواهد بود و نیز در تبیین معارف قرآن همچون آنان است؛ زیرا گفتیم این خلندان مطهر، نور واحدند و در مقام وحدت نوری آن ذوات مقدس، تفاوتی نیست و آنچه در مقام کثرت ظهور می یابد، تنها اختلاف مسؤولیت ها و وظیفه های متنوع، پس از اشتراک در سنخ آن است. حقیقت انسان را روح مجرد او تشکیل می دهد و بدن در تمام مراحل تابع آن است و موجود مجرد نیز منزّه از پدیده های ذکوریت و انوئت (نری و مادگی) بوده و آن تفاوت جنسیت ظاهری و جسمانی هیچ نقشی در آن وحدت باطنی روحی و معنوی ندارد.

از این رو هیچ کمالی از کمالات وجودی برای انسان، نه مشروط به مذکر بودن است و نه ممنوع از مؤنث بودن. بر این اساس، کمال حقیقی - که همان مقام شامخ ولایت است - نصیب هر انسان مطهر واجد شرایط کمالات والا و دارنده مقام «انسان کامل» خواهد شد، هر چند در مناصب اجرایی ظاهری به حسب نظام احسن میان زن و مرد تفاوت هایی هست؛ ولی این موجب امتیاز یکی بر دیگری نیست. بنابراین، نام بردن حضرت زهرا(س) به عنوان «لیله القدر»، از باب جری به مصداق و تعیین مصداقی از مصداق «انسان کامل»، عدل قرآن و لیله القدر است و از این حیث هیچ تفاوتی میان آن بانوی عظیم الشان و سایر معصومین(ع) وجود ندارد. چون همه آنها در رتبه

واحدند و مصداق کامل لیلۃ القدر و عدل و هم وزن قرآن کریم می باشند. اگر تفاوتی هم هست شاید به خاطر نکته دیگری باشد که به خاطر آن امام صادق(ع) لیلۃ القدر را به جهت احترام ویژه به حضرت زهرا(س)، به او اختصاص می دهد.

ب) آن جهت اختصاصی حضرت فاطمه زهرا(س) از میان معصومین(ع) - که موجب شده تا امام صادق(ع) لیلۃ القدر را به نام نامی آن «انسان کامل» و معصوم والا مقام تخصیص دهد - این است که آن بانوی بی بدیل، کوثر وجود یازده کلام الله ناطق و یازده امام معصوم(ع) و انسان های کامل است. آری، فاطمه زهرا(س) رمز و راز بقای اسلام محمدی(ص)، حلقه اتصال نبوت، امامت و ولایت، وارث سریر رسالت، حامی امامت و حامل ولایت است. فاطمه که خود کوثر و خیر کثیر جاری در جان جهان و باقی در هر زمان است، کوثر وجود یازده امام معصوم(ع) - به ویژه امام آخرین و بقیۃ الله فی الارضین «مهدی موعود(عج)» - نیز هست تا آن امام منجی انسان ها و تحقق بخش اهداف نبوت و امامت، ظهور کند و انسان های تشنه کمال و معنویت را به سرمنز مقصود انسانی - الهی برساند. این است راز حدیث مشهور و معتبر قدسی «لولاک»، که خدای متعال خطاب به بنده برگزیده اش رسول گرامی(ص) فرمود: یا احمد! لولاک لما خلقت الافلاک ولولا علی لما خلقتک ولولا فاطمة لما خلقتکما؛ ای احمد! اگر به خاطر تو نبود جهان آفرینش را خلق نمی کردم و اگر به خاطر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر به خاطر فاطمه نبود هر دو تای تان را نمی آفریدم»، (رحمانی همدانی، ص ۹،). چه این که گفتیم از دامان آن بانوی اطهر، امامت و ولایت تداوم می یابد؛ همان امامت و ولایتی که پیامبر(ص) تهدید شد که اگر آن را در غدیر خم اعلام نکند، رسالتش را اعلام نکرده است (ملننده، آیه ۶۷)؛ و پس از اعلام و رسمیت بخشیدن امامت و ولایت، دین کامل شد و رحمت و نعمت الهی به بندگانش

به اعلی درجه اش رسید (مائده، آیه ۳)؛ زیرا با تداوم امامت توسط فاطمه زهرا(س) و ظهور آخرین حجت خدا و اجرای احکام الهی و تحقق اهداف عالی پیامبران - به ویژه پیامبر خاتم(ص) و امامان جانشین به حق او - فلسفه نبوت و امامت به تمام و کمال، معنا و مفهوم حقیقی خود را خواهد یافت. بنابراین، به هیچ وجه مراد حدیث «لولاک» برتری دادن حضرت زهرا(س) بر پیامبر اکرم(ص) و علی(ع) نیست؛ زیرا توضیح دادیم که در نفس الامر و حقیقت معنا وجود همه آنان یکی بوده و همه معصومین از نور واحد و حقیقت واحدی برخوردارند و رتبه وجودی و کمالات باطنی یکسانی دارند؛ هر چند که پیامبر و علی(ع) امتیازهای ویژه ای دارند که سایر معصومین(ع) از این امتیازها برخوردار نمی باشند، و در میان آن دو بزرگوار نیز حضرت رسول اکرم(ص) دارای فضایل و امتیازهایی است که حضرت علی(ع) نیز واجد آنها نبود. (تفسیر موضوعی، ج ۷، ص ۱۱۱، جوادی آملی ۲- قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۳۸۰)

از اینجا روشن شد که شب قدر، یعنی شب ولایت و امامت و معنای روایاتی که شب قدر را به فاطمه زهرا علیها السلام تفسیر نموده است را اینطور دانست که حقیقت شب قدر، امامت و ولایت است و حقیقت ولایت و امامت، زهرا(س) مرضیه علیها السلام است.

۳. مصداق سوره قدر در روایات اهل سنت

این جریر به روایت مجاهد واقعه دیگری ذکر نموده است که علبدی در قوم بنی اسرائیل بود که همه شب در عبادت مشغول بود، و به هنگام صبح به جهاد بیرون می رفت و به جهاد مشغول می شد، و بدین شکل او هزار ماه در عبادت به سر برد، بر

این، خداوند متعال سوره «قدر» را نازل فرمود، از این، نیز معلوم می‌گردد که شب قدر از ویژگی‌های امت محمدی است.

ابن ابی حاتم از مجاهد روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم وضعیت جهادگری از قوم بنی اسرائیل را ذکر فرمود که او تا هزار ماه پشت سر هم در جهاد مشغول ماند که هیچ گاه شمشیر را به زمین نمی‌گذاشت، مسلمانان با شنیدن آن در شگفت قرار گرفتند، بر این، سوره «قدر» نازل گردید، و در این، عبادت یک شب این امت را بالاتر از عبادت تمام عمر آن جهادگر یعنی هزارماه قرار داد.

در در المنثور سیوطی از قول پیامبر اسلام آمده است که گفت: «در خواب به من نشان دادند که بنی امیه بر منبرم بالا خواهند رفت و این بر من سخت گران آمد و خدای تعالی در این مناسب سوره «انا انزلناه فی لیلۃ القدر» را نازل کرد.

خطیب بغدادی در تاریخ خود از عبدالله بن عباس و چندی از راویان اهل سنت از جمله ترمذی، طبرانی و ابوالفضل بیهقی از قول حسن بن علی روایاتی با معنای مشابه نقل کرده‌اند. در روایات اهل بیت آمده لیلۃ القدر از هزار ماه حکومت بنی‌امیه برتر است. (طباطبایی، ص ۷۷۰)

. در قول یکی از راویان آمده که حکومت بنی‌امیه هزار ماه نه یک ماه بیشتر و نه یک ماه کمتر طول کشید. اما ابن‌کثیر، مفسر شافعی با ذکر این که بنی‌امیه بیشتر از هزار ماه حکومت کردند این روایت را تضعیف می‌کند البته می‌گوید با کسر مدت حکومت همزمان زیبیریان با بنی‌امیه این مدت به هزاره ماه نزدیک‌تر می‌گردد (ابن کثیر، ۴۲۵/۴۲۶-ج/۸)

قتاده بن دعامه و مقاتل بن سلیمان، مفسرین اهل سنت، گفته‌اند برتری شب قدر بر هزار ماه به معنی برتری عبادت در آن به هزار شب غیر از قدر است. (طبرسی

در روایتی از تفسیر برهان شیخ طوسی پیامبر اسلام می گوید که شب قدر از زمان انبیاء گذشته وجود داشته و تا قیامت ادامه دارد. (طباطبایی/۷۶۸)

در روایت دیگری از طریق اهل سنت نیز به همین وجه اشاره گردیده است: «ان الله قدر ما یکون فی ملک السنه من مطر او رزق و احیاء و اماته الی مثل هذه اللیله من السنه الاتیه؛ خداوند آن چه از باران، روزی، تولد و مرگ و میر در طول سال و تا شب قدر آینده اتفاق میافتد، در این شب تقدیر و اندازگیری میکند.» (فخر رازی، ا. ج ۳۲، ص ۲۸). مخفی بودن شب قدر به این خاطر است که نسبت به آن تساهل نشود، بلکه نهایت اهمیت به عمل آید تا بهره کاملی از ثمرات این شب برده شود (ابن العربی، ب یثا، ج ۲، ص ۸۰۵) مخفی بودن شب قدر به این خاطر است که مردم تمام ماه مبارک رمضان را به عبادت زنده نگاه دارند و عظمت آن حفظ شود. (ابن العربی، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۶)

نظر ابن مسعود این است که لیلة القدر در کل سال محتمل است و برای درک آن، لازم است نسبت به تمام شبهای سال اهتمام داشت تا به توان آن شب بزرگ را درک کرد (ابن العربی، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۸۸) در توجیه آن گفته اند به این جهت که شب قدر به طور شرعی قطعی است ولی زمان آن تعیین نشده است (ابن العربی، بی تا، ج ۳، ص ۱۹۶۵)

نتیجه گیری

با توجه به آیات قرآن و روایات فراوان دانستیم که شب قدر دارای قدر و منزلت فراوانی بوده و نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت انسان‌ها دارد و دانستیم که این شب به ضرورت وجود نظم و تقدیر باید همه ساله وجود داشته باشد؛ بنابراین نصّ

قرآن و مفاد روایات فراوانی شب قدر را ظرف زمانی تقدیر امور معرفی نموده‌اند و چون اثبات شد که شب قدر همه ساله وجود دارد و همه ساله فرشتگان فرود می‌آیند ضرورت وجود نزول گاه فرشتگان و ضرورت وجود مجرای امور و کسی که مقدرات الهی را امضاء نماید مطرح می‌شود و با تفسیر درست حدیث ثقلین و لزوم همراهی شب قدر (ظرف زمانی) و اجرا کننده (امام زمان)، و این که تنها امام، انسان کامل و ظرف کلمات نورانی قرآن است، ضرورت وجود حجت الهی و واسطه فیض در جریان نزول فرشتگان و تقدیر امور اثبات گردید. نتایج مترتب بر یافته‌های فوق در شناخت امامت و امام زمان هر عصری به خصوص عصر غیبت حائز اهمیت است؛ از اینجا روشن شد که شب قدر، یعنی شب ولایت و امامت و معنای روایاتی که شب قدر را به فاطمه زهرا علیها السلام تفسیر نموده است را اینطور دانست که حقیقت شب قدر، امامت و ولایت است و حقیقت ولایت و امامت، زهرای مرضیه علیها السلام است. او همچون لیلۃ‌القدر، حضوری مستمر، کارآمد و تأثیرگذار در همه عرصه‌های هستی دارد و ظرف وجودش ظرف تحقق اراده و مشیت الهی و افاضه فیض ربوبی است. او اگرچه به مثابه «قدر»، قدرش ناشناخته ملنده است و باید تأویل حقیقت و کنه وجودش را در قیامت مشاهده کرد، اما به مقدار ممکن و میسر، باید به سراغ این انسان کامل مکمل و هادی و اسوه ابدی رفت و به او قرب وجودی یافت. از دیدگاه اهل سنت، شب قدر، شبی است مخصوص امت پیامبر(ص) که تا امروز نیز ادامه دارد و قبل از پیامبر نبوده و در واقع امتیاز در شب قدر مسلمانان بر سایر امت‌هاست؛ اگر چه روایاتی اندک شمار نیز در منابع اهل سنت وجود دارد که شب قدر را فقط مربوط به زمان پیامبر(ص) می‌دانند. روایات متعددی‌گری نیز در این باره ذکر شده است که جمع آنها، در نهایت، ما را به این نتیجه می‌رساند که درباره‌ی نزول کلی قرآن

در شب قدر اختلاف نظر وجود ندارد و زمان آن همین شب مبارک است؛ اگرچه در مورد جایگاه نزول نیز، حتی اگر به قول اهل سنت معتقد باشیم و نزول بر بیت المعمور را بپذیریم باز با روایات و معتقدات شیعه در این خصوص و در تأیید نزول بر قلب مبارک پیامبر اسلام (ص) در تنافی نخواهد بود.

منابع

قرآن کریم.

صحیفه سجادیه

- ۱- ابن العربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، احکام القرآن، بی جا، بی نا، ب یتا.
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا، بی تا
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تعلیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- ۴- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق یاحقی و ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- ۵- استرآبادی، محمد بن علی، آیات الأحکام، تهران، مکتبه المعراجی، چاپ اول، بی تا.
- ۶- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. تفسیر القرآن العظیم، بی جا: بی نا
- ۷- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه لمؤسسه البعثه، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- ۸- حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
- ۹- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش
- ۱۰- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی جا، بی نا، ب یتا.

- ۱۱- سیوطی، جلال للدين عبدالرحمن بن ابی بكر، للدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۲- سبحانی، جعفر، منشور عقاید امامیه، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ ششم، قم ۱۳۸۹ ش.
- ۱۳- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- ۱۴- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تصحیح و تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی طباطبایی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۵- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۶- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، التبیان الجامع لعلوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۷- فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
- ۱۸- فرات بن ابراهیم بن فرات، تفسیر فرات، انتشارات دلیل ما قم، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۹- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- ۲۰- عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۲۳ /
- ۲۱- حسن زاده آملی، حسن، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱

۲۲- رحمانی همدانی، احمد، فاطمه الزهرا، بهجة قلب المصطفی، ص ۹،

مؤسسه انتشاراتی بدر). چ

۲۳- قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، مؤسسه دارالکتب، قم ۱۴۰۴

ق